

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل

پایاده سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش نهایی

### درس اصلاح طلبی و امر به معروف (۲) بخش اول

در طول تاریخ اسلام و جوامع اسلامی در برابر قدرت‌های سرکوب‌گر و ظالم، دو نوع عکس‌العمل از سوی جامعه‌ی اسلامی ظاهر شده است. یکی اینکه در برخی از مقاطع وقتی مفسدان قدرت کامل را به دست می‌گیرند و نفس‌ها را در سینه‌ها حبس می‌کنند، گروهی از اهل ایمان دچار ترس، یأس و وادادگی می‌شوند و به درون‌گرایی‌های افراطی صوفی‌منشانه و عرفان‌مآبانه روی می‌آورند. و در نگاهی به تاریخ ایران، در می‌یابیم که در مقاطعی صوفی‌گری برای مرید پیدا کردن میدان زیادی پیدا کرده است، مثلاً بعد از حمله‌ی مغول، می‌بینیم که چگونه این حالت تحقیر شده و سرکوب شده‌ی مردم، آنها را به سمت نوعی درون‌گرایی، انزوا، یأس و بالأخره رفتن به سمت نوعی عرفان انحرافی که در آن، گریز از جامعه و گریز از مسئولیت‌های اجتماعی است، می‌کشاند. گرایش دوم که دقیقاً عکس این است: مؤمنانی با شهامت، شجاعت و قوت قلب به میدان مبارزه با فساد و مفسدان آمدند و هرچه که دشمن مقتدرتر بوده، اینها روحیه‌ی قوی‌تری پیدا کرده‌اند.

این دو تصویر در قرآن دیده می‌شود. تصویر گروهی که دچار یأس می‌شوند و می‌گویند: فایده ندارد، بیهوده خودمان را خسته و درگیر مسائل اجتماعی نکنیم، سراغ عبادت‌ها، ذکرها، فکرها، عرفان، چله‌نشینی‌ها، خلوت‌ها و بزم‌های عارفانه برویم. قرآن می‌فرماید: لِمَ تَعْطُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا؛ اَمَا در برابر این گروه، گروهی هستند که قرآن در مورد آنها فرمود: الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ، فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ؛ کسانی که مردم به آنها گفتند چرا خودتان را بیخود خسته می‌کنید؟ همه‌ی جامعه از بزرگ و کوچک، مرد و زن، جوان و پیر، روشنفکر و غیر روشنفکر، منسجم و آراءشان یکپارچه علیه شماست. پس بترسید. این قدر بی‌بروا خودتان را به خطر نیندازید. شما پایگاه حمایتی ندارید، چرا خودتان را به خطر و دردسر می‌اندازید؟ قرآن می‌گوید: اینها در برابر این ارعابی که می‌شوند نه تنها اندکی دچار سستی و ضعف نمی‌شوند، بلکه این وضعیّت ایمان آنها را افزون می‌کند و می‌گویند ما در عرصه‌ی حرکت به سوی حقیقت جز به نیروی الهی تکیه نداریم. خدا برای ما کافی است. ما به حمایت احدی نیازمند نیستیم. قرآن می‌گوید: فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ؛ همین روحیه‌ی آنها بود که آنها را به موقّیّت‌های بزرگی نائل کرد، نعمت‌های بزرگ الهی را نصیبشان کرد و در مسیر کارزار و مصافی که علیه بدی‌ها، آلودگی‌ها،

پلشتی‌ها، فسادها و ستم‌ها کردند اندکی هم آسیب ندیدند. اینها از رضایت و رضوان الهی تبعیت و پیروی کردند و خدا صاحب فضل بزرگ است.

قرآن می‌گوید می‌خواهید بدانید اینها که می‌خواهند روحیه‌ی شما را سلب کنند چه کسانی هستند. **إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ؛** این تکنیک و تاکتیک شیطان است. شیطان از راه تخویف، کسانی که ولایتش را پذیرفتند، می‌ترساند و آنها را به تبعیت از خود وا می‌دارد. این نکته‌ی بسیار مهمی است. در مورد شجاعت معمولاً اشخاص بیشتر از آنچه مرعوب و تسلیم و شکست‌خورده‌ی قدرت دشمن باشند، مرعوب ترس خودشان هستند. بیشتر آدم‌ها از ترس خودشان از پا در می‌آیند نه از قدرت دشمن. شیطان هم دل کسانی را که حاضرند ولایت شیطانی را بپذیرند خالی می‌کند و آنها را می‌ترساند و این‌گونه با ترس به تبعیت از خودش وادار می‌کند. لذا قرآن می‌گوید: **فَلَا تَخَافُوهُمْ؛** پس شما که مؤمنید از این ارباب‌ها نترسید. **وَ خَافُونَ؛** و از من بترسید یعنی از سستی، بی‌ایمانی، سکوت در برابر ستم، گناه و معصیت و از آنچه که خلاف رضایت الهی است بترسید **وَاللَّهِ** خدا که موجود ترسناکی نیست. **وَ خَافُونَ؛** یعنی از اینکه خودتان وا بدهید و به مسئولیت‌های الهی‌تان عمل نکنید، نگران باشید. دشمن و تهدیدها و ارباب‌های او دل شما را خالی نکند. **إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛** اگر به راستی مؤمن هستید. بعد هم به پیغمبرش رو می‌کند و می‌گوید: **وَلَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَنْ يَضُرُوا اللَّهَ شَيْئًا؛** ای پیامبر، اینکه می‌بینی برای اینکه بروند در برابر فساد، کفر و قدرت‌های شیطانی اظهار چاکری و نوکری بکنند و سر ذلت و خواری به زمین آنها بسایند سرعت گرفتند و مسابقه می‌دهند، تو را محزون نکند. اینها ذره‌ای نمی‌توانند به خدا ضرر وارد کنند. خدا به اینها نیازمند نیست. اینها به خدا محتاجند.

اما محورهای دیگر: نکته‌ی اول این است که بر اساس آنچه گفتیم، اسلام تأکید ویژه‌ای بر امر به معروف و نهی از منکر در جهت اصلاح فرد و جامعه به عنوان مهم‌ترین و برترین فریضه‌ی دینی دارد. قرآن کریم می‌فرماید: **وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ... وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛**<sup>۱</sup> اگر می‌خواهید رستگار و مصلح باشید، باید از بین شما گروهی باشد که اینها ۱- به نیکی‌ها دعوت کنند؛ ۲- امر به معروف کنند؛ ۳- نهی از منکر بکنند. می‌گوید اگر طالب فلاح و رستگاری و سعادت هستید، در جامعه‌ی دینی‌تان این سه کار باید انجام شود. دعوت به سوی خیر لطیف‌ترین شکل است. بعد امر به معروف که در آن نوعی آمریت و قدرت است. نهی از منکر از آن هم شدیدتر است. یا در آیه‌ی دیگر فرمود: **كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛**<sup>۲</sup> شما مسلمان‌ها بهترین امتی هستید که در بین جوامع

۱- سوره‌ی آل‌عمران، آیات ۱۷۳-۱۷۶.

۲- سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۰۴.

۳- سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۱۰.

بشری ظاهر شدید. یهود و نصارا هم می‌گفتند ما برتریم و نور چشمی خدا هستیم. اما قرآن می‌گوید عِلَّتْ آنکه به شما این برتری را بخشید، این است که یعنی امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید ولی اگر نکنید، برتر هم نیستید.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: **وَ اَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ اَهْلِهِ وَ اَنْكَرَ الْمُنْكَرَ بِيَدِكَ وَ لِسَانِكَ وَ بَيْنَ مِنْ فَعَلَهُ جِهْدَكَ وَ جَاهِدِ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ لَا تَأْخُذَكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمَةٌ**<sup>۱</sup>: این گمان باطلی است که اگر من خودم را از عرصه‌ی امر به معروف کنار بکشم و به خلوت ذکر و فکر و عبادت و خودسازی خودم بروم، می‌توانم آدم شایسته‌ای بشوم. اگر می‌خواهی اهل معروف و نیکی باشی، امر به معروف بکن و با دست و زبان علیه منکر مبارزه کن و با تمام توان و با عمل خودت، از بدی‌ها مبایعت و مفارقت بجوی. یعنی سعی کن خودت هم آلوده به بدی‌ها نباشی. و آن‌گونه که سزاوار جهاد و مجاهدت در راه خداست مجاهدت کن و سرزنش هیچ سرزنش‌گری هم در این مسیر روی تو اثر نگذارد.

به تعبیر امام باقر علیه‌السلام امر به معروف و نهی از منکر برترین فرایض است. در فروع کافی و در وسائل الشیعه این روایت آمده است. حضرت راجع به امر به معروف و نهی از منکر چنین فرمودند: **أَسْمَى الْفَرَائِضِ وَ أَشْرَافِهَا؛ بَرْتَرِينَ وَ بَالَاتَرِينَ** و شریف‌ترین فرایض الهی که از همه‌ی عبادات الهی برتر است، امر به معروف و نهی از منکر است.<sup>۲</sup> همه‌ی عبادات تحت الشعاع امر به معروف و نهی از منکر است<sup>۳</sup> اگر می‌خواهی عبادت کنی، برترین آن امر به معروف و نهی از منکر و جهاد فی سبیل‌الله است. اگر می‌خواهی سراغ عرفان بروی و از اولیاء‌الله بشوی و به بهشت بروی<sup>۴</sup>، به عرصه‌ی جهاد بیا. **إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ**<sup>۵</sup> امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: بزرگ‌ترین دری که مخصوص اولیای خاص خداست و به سوی بهشت باز می‌شود در جهاد است.

در امر به معروف و نهی از منکر نکته‌ی ظریف دیگری نیز هست؛ در امر مدیریت، سبک‌های مختلفی مطرح است. یکی از آنها، مدیریت مشارکتی است. یعنی مدیریتی که مشارکت کل کارکنان یک سازمان را در تصمیم‌گیری، اداره، هدایت مجموعه، نظارت و کنترل آن جلب می‌کند. موفق‌ترین مدیریت‌ها، مدیریت مشارکتی است چون از تمام توان عناصر سازمان برای پیشبرد سازمان استفاده می‌کند. خیلی از مشکلاتی هم که در مدیریت مطرح است، مثل مقاومت در برابر تغییر، در مدیریت مشارکتی

۴- مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۰۲.

۵- محدث عاملی، تفصیل وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۱۹.

۶- امر به معروف و نهی از منکر در ابواب فقه، در کتاب العبادات است و این نکته‌ی بسیار ظریفی است که امر به معروف و نهی از منکر و جهاد، یعنی اجتماعی‌ترین، سیاسی‌ترین و نظامی‌ترین بحث‌های اسلام در کتاب العبادات است. این مطلب گویای این است که گمان نکن که اگر در گوشه‌ی مسجد یا خانقاه، مشغول عبادت شدی، عبادت آن است. درست نگاه کن و عبادت واقعی خدا و تصویر کامل عبادت را ببین. عبادت به کنج انزوای فردیت و درون‌گرایی خزیدن نیست. گرچه نماز و روزه هم احکام جمعی هستند و به نماز و روزه هم امر جمعی شده است: **أَقِيمُوا الصَّلَاةَ**<sup>۲</sup>.

۷- خواست‌های آدم‌های آخرت‌گرا و معنویت‌گرا معمولاً اینهاست.

۱- سیدرضی، نهج البلاغه، ص ۶۹.

حل می‌شود. حالا اگر وظایف مدیریت می‌خواهد با مشارکت جمع انجام شود، یکی از اصول مدیریت نظارت و کنترل است. امر به معروف و نهی از منکر در واقع همین بحث است. یعنی نظارت و کنترل در مدیریت سازمان جامعه‌ی اسلامی با مشارکت آحاد تشکیل دهنده‌ی آن جامعه.

گاهی اوقات تصویر ما از این اصل، تصویر بسیار کوتاه و کوچکی است. یعنی به احکام عبادی فردی یا احکام فقهی فردی بسنده می‌کنیم. در حالی که نطق امر به معروف و نهی از منکر تمامی معروف‌ها و تمامی منکرها را در بر می‌گیرد. یعنی در یک جامعه معروف همه‌ی اهداف مثبت و منکر همه‌ی اهداف منفی است و امر به معروف و نهی از منکر هم فقط امر و نهی لفظی و زبانی نیست. تکنیک‌های مختلف و وسایل گوناگونی را در بر می‌گیرد که می‌تواند این هدف را تأمین کند. هرچه بتواند اهداف اسلامی را در جامعه محقق بکند در نطق امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد. یعنی تمامی امور جامعه اسلامی اعم از امور اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی، بهداشتی، حقوقی و غیره، همگی در نطق امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد. در حکومت‌های اوائل اسلام، سازمان یا نهادی به نام امور حسبه در حکومت بود. وظیفه‌ی این امور حسبه امر به معروف و نهی از منکر بود. به مأمورین آن هم محتسب می‌گفتند. در شعرها هم داریم. مثل:

محتسب مستی به ره دید و گریبانش گرفت

اینها همان مأموران امر به معروف و نهی از منکر بودند. وقتی به کتاب‌هایی که در آن سال‌ها توسط نویسندگان اسلامی در مورد حکومت نوشته شده است مراجعه می‌کنید، می‌بینید امر احتساب یا حسبه را در برگیرنده‌ی تمام شئون جامعه معرفی کرده‌اند. هیچ امری از این مستثنی نیست. یعنی امر به معروف و نهی از منکر همه‌ی امور جامعه را در بر می‌گیرد. حالا به استناد دو روایت این حرف کاملاً منطبق بر فرمایشات معصومین علیهم‌السلام است. امام باقر علیه‌السلام فرمودند: **إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحُلُ الْمَكَاسِبُ وَ تَرُدُّ الْمَظَالِمَ وَ تَعْمُرُ الْأَرْضَ وَ يَتَنَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ:**<sup>۱</sup> امر به معروف و نهی از منکر راه انبیا و طریقه‌ی صالحان است؛ یک واجب بسیار بزرگ الهی است؛ همه‌ی فرایض و واجبات به وسیله‌ی امر به معروف و نهی از منکر برپا می‌شوند؛ امنیت راه‌ها به وسیله‌ی آن تأمین می‌شود؛ یعنی پلیس راه وظایف امر به معروف و نهی از منکر را اجرا می‌کند. امنیت راه‌ها کسب‌ها و تجارت‌ها با امر به معروف و نهی از منکر است که در مسیر درست شرعی جاری می‌شود و جلو کسب‌های حرام گرفته و کسب‌های حلال رایج می‌شود؛ با امر به معروف و نهی از منکر است که همه‌ی حقوق سلب شده و غضب شده به فرد مظلومی که حقیقتش از او باز ستانده شده است، برگردانده می‌شود؛ با امر به معروف و نهی از منکر، زمین آباد می‌شود؛ یعنی همه‌ی کارهای عمرانی در حوزه‌ی امر به معروف و نهی از منکر است، با همین اصل حقوق ملت مسلمان از دشمنان باز پس گرفته

می‌شود؛ یعنی در عرصه‌های بین‌المللی و خارجی، به شکل جنگ و چه دیپلماسی، آنچه که می‌تواند حق جامعه‌ی اسلامی را پس بگیرد، مصداقی از امر به معروف و نهی از منکر است؛ و قوام و به راست آمدن همه‌ی امور حکومت اسلامی در پناه امر به معروف و نهی از منکر است. این نطق امر به معروف و نهی از منکر است.

حدیث دیگر از امیرالمؤمنین علیه‌السلام است. وَ قَالَ اللَّهُ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَبَدَأَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ مِنْهُ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ وَإِذَا أَدَيْتَ وَاقِيَّتَ اسْتِقَامَتِ الْفَرَائِضُ كُلُّهَا هِيَ وَصَبْعُهَا وَذَلِكَ أَنْ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ دَعَا إِلَى الْإِسْلَامِ: حضرت می‌فرماید: خدای متعال فرمود: مردان و زنان مؤمن، برخی دوست دیگری است، برخی بر دیگری ولایت دارد و اینها امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. بعد حضرت امیر فرمود: از بین همه‌ی واجبات، اولین واجبی را که قرآن به عنوان شاخص‌ترین ویژگی مؤمن و مؤمنه بیان می‌کند امر به معروف و نهی از منکر است، بعد قرآن فرمود: أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ رِجَالًا وَنِسَاءً. یعنی مهم‌ترین و بارزترین شاخصه‌ای که می‌تواند مؤمن را از غیر مؤمن متمایز کند، امر به معروف و نهی از منکر است. این بدان خاطر بود که خدا می‌دانست اگر در جامعه حق امر به معروف و نهی از منکر ادا شود و این فریضه‌ی الهی برپا شود، در پناه این اصل و همه‌ی فرایض، از کوچک و بزرگ، و آسان و دشوار، همه برپا خواهد شد. امر به معروف و نهی از منکر دعوت به سوی مکتب اسلام است. پس تمامی فعالیت‌های تبلیغی اسلامی در حوزه‌ی این اصل قرار می‌گیرد.

مَعَ رَدِّ الْمَظَالِمِ وَ مَخَالَفَتِهِ الظَّالِمِ وَ قِسْمَةِ الْفَيْءِ وَ الْعَنَائِمِ وَ اخْذِ الصَّدَقَاتِ مِنْ مَوَاضِعِهَا وَ وَضْعِهَا فِي حَقِّهَا: دومین چیزی که مصداق امر به معروف و نهی از منکر است، اموری است که موجب باز پس گرفتن حقوق مظلومین از ظالمان است و همه‌ی ستیزه‌هایی که با ستمگران می‌شود در شمول این اصل است. و توزیع درست منابع اقتصادی در جامعه، در پناه این اصل صورت می‌گیرد و جمع‌آوری مالیات از جایگاه‌های درست آن و هزینه شدن این مالیات‌ها در موارد صحیح خودش هم در پناه امر به معروف و نهی از منکر تحقق پیدا می‌کند. روایات تصویر گسترده‌ای از امر به معروف و نهی از منکر به دست می‌دهد که با آن تصویر سنتی کوچکی که ما از این اصل در ذهن داریم بسیار متفاوت است. از نظر اسلام مهم‌ترین مخاطب امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی، رهبران و مسئولان عالی رتبه‌ی حکومت اسلامی‌اند و بر همه‌ی مسلمین واجب است در رابطه با تمامی وظایف حکومت، رهبران و مسئولان جامعه‌ی خود را امر به معروف و نهی از منکر کنند.

نکته‌ی بعد، نهی و تحذیر شدیدی است که اسلام از ترک امر به معروف و نهی از منکر کرده و تأکیدی که بر تبعات دنیوی و اخروی این امر فرموده است. بنده در روایات هشت محور را استخراج کردم که تبعات بسیار تلخ و سنگین ترک امر به معروف و نهی از منکر در جامعه‌ی اسلامی است. اولین محور واژگونی ارزش‌ها در جامعه است. وقتی امر به معروف و نهی

از منکر در جامعه ترک می‌شود، خوب‌ها بد و بد‌ها خوب خواهد شد. ضد ارزش‌ها به ارزش و ارزش‌ها به ضد ارزش تبدیل می‌شود. پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: **كَيْفَ بَكُمْ إِذَا فَسَدَ نَسَاءُكُمْ وَ فَسَقَ شَبَابُكُمْ وَ لَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ لَمْ تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ فَقِيلَ لَهُ وَ يَكُونُ ذَلِكَ، يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ، كَيْفَ بَكُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ؛ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ يَكُونُ ذَلِكَ، قَالَ نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ؛ كَيْفَ بَكُمْ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا؛<sup>۱</sup> ای مسلمانان شما چه حال خواهید داشت هنگامی که زنان شما فاسد و جوان‌های شما فاسق شوند و امر به معروف و نهی از منکر هم نکنید؟ عرض کردند: ای رسول خدا، مگر می‌شود در جامعه‌ی اسلامی کار به اینجاها بکشد؟ حضرت فرمود: بله و از این هم بدتر می‌شود. در چه حالی خواهید بود وقتی که در جامعه‌ی اسلامی شما به منکر امر می‌کنید و از معروف نهی می‌کنید؟ عرض شد: ای رسول خدا آیا چنین چیزی هم می‌شود؟ فرمود: بله و از این بدتر هم می‌شود. در چه حالی خواهید بود وقتی که در جامعه‌ی اسلامی شما معروف را منکر می‌بینید و منکر را معروف؟ یعنی ارزش‌ها واژگون و بد‌ها خوب و خوب‌ها بد می‌شود. این اولین پیامد ترک امر به معروف و نهی از منکر است.**

دوم؛ دشمنی و خشم خدا نسبت به تارکان امر به معروف و نهی از منکر است. پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: **إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِيُبْغِضَ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا زَبْرَ لَهُ يَا لَا دِينَ لَهُ؛** (هر دو عبارت روایت شده است). **فَقَالَ هُوَ الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ؛<sup>۲</sup>** بغض و خشم دشمن خدای تبارک و تعالی متوجه آن مؤمن ضعیفی است که عقل درست و حسابی ندارد (دین درست و حسابی ندارد). بعد حضرت فرمودند: می‌دانی مقصودم چیست؟ مقصودم مؤمنی است که نهی از منکر نمی‌کند. پس دومین پیامد، خشم و غضب الهی است.

سوم، سلب برکات است. پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: **لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ عَنْهُمْ الْبَرَكَاتُ؛** تا زمانی که مردم امر به معروف و نهی از منکر کنند و در کارهای نیک با هم معاونت و همیاری کنند همواره اوضاعشان به خوبی جاری می‌شود و وضعیتشان خوب خواهد بود. اما هنگامی که این کار را ترک کردند، در آن هنگام همه‌ی برکات از زندگی آنها سلب می‌شود.

چهارمین اثر ترک امر به معروف و نهی از منکر، مسلط شدن اشرار و فجار بر جامعه‌ی اسلامی است. پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در ادامه‌ی همان حدیثی که فرمودند: **نَزَعَتْ عَنْهُمْ الْبَرَكَاتُ؛** می‌فرمایند: **وَ سَلَطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ؛<sup>۳</sup>** اگر امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، برخی از آنها بر برخی دیگر مسلط می‌شوند و هیچ یابوری برای مؤمنان، نه در زمین و نه در آسمان پیدا نخواهد شد. و در حدیث دیگری فرمودند: **لَتَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ**

۲- مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۱.

۱- شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۳۴۴.

۲- احمد آرام، الحیاء، ج ۳، ص ۳۶۵.

لَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ يَسْلُطَنَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ شَرَارَكُمْ فَيَدْعُوا خِيَارَكُمْ فَلَا يَسْتَجَابُ لَهُمْ: <sup>۱</sup> [فروع کافی] یا امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و یا اگر نکرديد خدا شرار شما، را بر شما مسلط می‌کند. انسان‌های شر و فاسد حاکم، مدیر یا رئیس شما می‌شوند، بعد خوبان شما هر چه دعا می‌کنند و می‌گویند خدایا ما را از شرّ اینها نجات بده، اجابت نخواهد شد.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در وصایای خود فرمود: اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ أَسْنَتِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تَتْرَكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُولَى عَلَيْكُمْ شَرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يَسْتَجَابُ لَكُمْ: <sup>۲</sup> خدا را در نظر بگیرید، خدا را در نظر بگیرید در مورد جهاد در راه خدا با دارایی‌هایتان، جان‌هایتان و زبان‌هایتان، امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که در آن صورت ولایت، مدیریت، حاکمیت و ریاست شما را شریران شما بدست خواهند گرفت. آن موقع هر چه دعا بکنید اجابت نمی‌شود. البته برای این عبارات یک معنای دیگر قابل تصور است. فیدعوا خیارکم فلا يستجاب لهم یا ثم تدعون فلا يستجاب لكم؛ معنای دیگرش این است که خوبان شما سراغ همین مدیران فاسد می‌روند. ولی مؤمنین این قدر حقیر و ذلیل می‌شوند که این رؤسا دیگر آنها را تحویل نمی‌گیرند. جواب حرفشان را هم نمی‌دهند. صدها نامه و بیانیه صادر می‌کنند، یک جواب هم نمی‌گیرند.

پنجمین اثر ترک امر به معروف و نهی از منکر، ذلت و خواری است. امام باقر علیه‌السلام فرمودند: الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَمَنْ نَصَرَهُمَا أَعَزَّهُ اللَّهُ وَ مَنْ خَذَلَهُمَا خَذَلَهُ اللَّهُ: <sup>۳</sup> امر به معروف و نهی از منکر دو مخلوق از مخلوقات الهی هستند که خدای عزوجل آنها را آفریده است. پس هر کسی این دو را یاری کند خدا او را عزیز می‌کند و هر کس این دو اصل و دو مخلوق بزرگ الهی را خوار کند خدا هم او را خوار می‌کند.

ششمین اثر ترک امر به معروف و نهی از منکر، لعن یا محرومیت از رحمت الهی است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَلْعَنِ الْقَرْنَ الْمَاضِيَ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ إِلَّا لِيَتْرَكَهُمُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلَعَنَ اللَّهُ السُّفَهَاءَ لِرُكُوبِ الْمَعَاصِي وَ الْحُكَمَاءَ لِيَتْرَكَ التَّنَاهِي: <sup>۴</sup> خدای متعال جوامع پیش از شما را که امروز تاریخ آنها در برابر شماست لعن نکرد - معنی لعن هم از نظر لغوی محروم کردن از رحمت است - یعنی آنها را از رحمت خودش محروم نکرد، چه رحمت دنیوی و چه رحمت اخروی، مگر به خاطر اینکه آنها امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند. در نتیجه، خدا سفیهان، جاهلان و ناآگاهان را به خاطر ارتکاب معاصی لعن کرد و اندیشه‌ورزان، روشن‌فکران، آگاهان، متفکران، تحصیل‌کرده‌ها و فرهیختگان را به خاطر ترک تناهی، یعنی ترک مبارزه با منکرات کرده است.

۴- سیدرضی، نهج‌البلاغه، ص ۴۲۲.

۵- شیخ صدوق، ثواب العمال و عقاب العمال، ص ۱۶۰.

۱- سیدرضی، نهج‌البلاغه، ص ۲۹۹.

در حدیث دیگری امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «اعتبروا أيها الناس بما وَعظ الله أولياء من سوء ثناله على الأخبار إذ يقول «لولا ينهائهم الربانيون والأخبار عن قولهم الاثم»، «وقال لعن الذين كفروا من بني إسرائيل على لسان داود وعيسى بن مريم ذلك بما عصوا وكانوا يعتدون»، «كانوا لا يتناهون عن منكر فعلوه لبئس ما كانوا يفعلون»، «وإنما عاب الله ذلك عليهم لانهم كانوا يرون من الظلمه المنكر والفساد فلا ينهونهم عن ذلك»<sup>۱</sup> ای مردم عبرت بگیرید از موعظه‌ای که خدا به بد یاد کردن از اخبار یعنی علمای یهود، دوستان و اولیائش کرده آنجا که خدا می‌فرماید: چرا علمای دینی یهود مردم را از آن سخن‌های گناه آلوده نهی نکردند؟ باز خدای متعال در قرآن فرمود: آن گروه از بنی‌اسرائیل را که کافر شدند خدا به زبان داود پیامبر و عیسی پیامبر لعن کرد و علتش این بود که اینها عصیان و سرکشی کردند و از مرزهای فرامین الهی گام بیرون نهادند و از بدی‌ها و منکراتی که انجام می‌شد نهی نمی‌کردند. و اینکه نهی از منکر نمی‌کردند، چه کار بدی بود. بعد فرمودند: این عیب‌جویی خدا و اینکه خدا اینها را معیوب معرفی کرد به این خاطر بود که علمای یهود از، ظالمان و حاکمان ستمگر، منکر و فساد را می‌دیدند و آنها را از این کار نهی نمی‌کردند. پس لعنت و نفرین الهی هم از آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر است.

هفتمین اثر، عذاب الهی و هلاکت و نابودی است. پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: ما أقر قوم بالمنكر بين أظهرهم لا يغيرونه إلا أوشك عن يعمهم الله بعقاب من عنده:<sup>۲</sup> هیچ گروه و جامعه‌ای نیست که جلوی چشمشان منکرات رایج باشد و اینها ببینند و متوجه باشند و در مقام مبارزه با منکر برنیایند، مگر اینکه در معرض این می‌باشند که خدای متعال همه‌ی آن جامعه را با عقاب و کفیری از جانب خود یکجا در بر بگیرد. در حدیث دیگری پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: لتأمرون بالمعروف و لتنهون عن المنكر أو ليعمنكم عذاب الله:<sup>۳</sup> یا امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و یا اگر نکرديد عذاب الهی همه‌ی جامعه شما را از، خوب و بدتان، در بر خواهد گرفت. هم‌چنین در حدیث دیگری پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: إذا تركت امتي الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر فليودن بوقاع من الله جلَّ اسمه:<sup>۴</sup> [بحار ۷۸/۱۰۰] هنگامی که امت من، یعنی امت اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر را ترک بکنند پس باید برای عذابی از جانب خدای متعال آماده باشند. در حدیث دیگری نیز پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: إذا تواكلت الناس الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر فلياذنوا بوقاع من الله:<sup>۵</sup> هنگامی که در جامعه‌ی اسلامی مردم مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر را گردن هم می‌اندازند و به یکدیگر احاله می‌دهند، پس باید

۲- حرآنی، تحف العقول، ص ۲۳۷.

۳- محدث عاملی، تفصیل وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۳۷.

۴- محدث عاملی، تفصیل وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۳۵.

۵-

۱- محدث عاملی، تفصیل وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۱۸.



برای عذاب الهی آماده باشند. فرمود: هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَ يُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ<sup>۱</sup> خدا قادر است بر اینکه عذابی از بالا برای شما بفرستد؛ که با توجه به روایات عذاب از بالا یعنی مافوق‌های بدی را بر شما حاکم کند یا عذاب را از زیر پایتان بفرستد؛ یعنی زیردست‌هایتان آدم‌های ناجوری باشند یا اینکه شما را به احزاب و جناح‌ها و گروه‌های متعددی تقسیم کند و شما را به جان هم بیندازد. و اسیر درگیری و اختلاف بشوید. اینکه خدا فرمود: اگر امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنید عذاب می‌آید یک مصداقش همین است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى جَلَّتْ قُدْرَتُهُ إِلَى شُعَيْبِ أُنَى مَهْلِكٍ مِّنْ قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِّنْ شَرَارِهِمْ وَ سِتِّينَ أَلْفًا مِّنْ خِيَارِهِمْ؛ فَقَالَ هَوْلَاءَ الْأَشْرَارِ فَمَا بِالِ الْأَخْيَارِ؛ فَقَالَ دَاهَنُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي فَلَمْ يَغْضَبُوا لِعُضْبِي<sup>۲</sup> خدای متعال به شعیب پیامبر وحی کرد: من از قوم تو صد هزار نفر را هلاک می‌کنم. چهل هزار نفر از شریرانشان، شصت هزار نفر از خوبانشان، شعیب عرض کرد: خدایا این چهل هزار نفر اشرار هستند و مستحقّ عذابند ولی این نیکان چه تقصیری کرده‌اند که هلاک بشوند؟ فرمود: اینها در برابر اهل معصیت و آنچه که من غضبناک بودم مداهنه و سازش‌کاری کردند، بی‌تفاوتی نشان دادند و غضب نکردند. لذا این شصت هزار نفر نیکان بی‌تفاوت هم در کنار آن چهل هزار نفر شریران یکجا عذاب و هلاک می‌شوند.

هشتمین اثری که در روایت برای ترک امر به معروف و نهی از منکر نقل شده است، هم‌منزل شدن با ظالمان و مفسدان در دوزخ است. در حدیث از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که اباعبدالله الحسین علیه‌السلام هم همین حدیث را در بیاناتش از پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده‌اند که فرمودند: مَنْ رَأَى مِنْكُمْ سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحَرَامِ اللَّهِ نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ فَلَمْ يَغْيِرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ وَلَا قَوْلٍ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ<sup>۳</sup> هر کس فرمانروای ستمگری را ببیند که حلال الهی را حرام می‌کند، حرام الهی را حلال می‌کند، عهد و میثاق الهی را می‌شکند و در بین بندگان خدا با گناه و ستمگری حکومت می‌کند و این بیننده در مقام تغییر دادن اوضاع بر نیاید و چه با عمل و چه با زبان، به دگرگونی اوضاع کمر بیند، حق است که خدای متعال، چنین فردی را، در قیامت در همان محلی که آن سلطان ستمگر در دوزخ دارد، جا دهد. در آغاز زیارت عاشورا در کنار لعنت به جانبانی که حادثه‌ی عاشورا را آفریدند و این نخبگان تاریخ خلقت را با آن شقاوت به شهادت رساندند، می‌گوییم: لَعْنَةُ اللَّهِ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالْتَّمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ؛ لعنت خدا بر آن تماشاچی‌های بی‌تفاوتی که با سکوت خودشان این جرأت را به آن ستمگران دادند که چنین جنایتی را بیافرینند. یعنی در کنار لعن بر شمر و عمر سعد و یزید بن معاویه، تماشاچی‌های بی‌تفاوت را نیز لعن می‌کنید. یعنی برای هر دو، یک منزل قائلید. روز عاشورا، در ساعاتی که اباعبدالله را به

۲- سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۶۵.

۳- محدث جزائری، التّور المبین فی قصص النّبیاء و المرسلین، ص ۳۹۲.

۴- کرمی، در سوگ امیر آزادی، ص ۳۰.

شهادت می‌رساندند، یک عده از افراد قبائل اطراف کربلا در حاشیه‌ی میدان ایستاده بودند و صحنه را تماشا می‌کردند و گریه می‌کردند. اما از این بی‌غیرت‌ها، کسی از امام حسین علیه‌السلام دفاع نکرد.

نکته‌ی بعد این است که ببینیم چرا شخص از امر به معروف و نهی از منکر دست می‌کشد، آیات و روایات علت اصلی ترک امر به معروف و نهی از منکر را محافظه‌کاری شخص به خاطر ترس از خطر یا نگرانی محروم شدن از امتیازات مادی می‌داند که همه‌ی اینها میوه‌ی محبت دنیا و اسارت محبت دنیاست. اباعبدالله الحسین علیه‌السلام در جریان عاشورا می‌فرماید: النَّاسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَالَّذِينَ لَعِقُوا عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَ مَا دَرَّتْ بِهِ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مَحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ<sup>۱</sup> مردم بنده و نوکر دنیایند و دین لقلقه‌ی زبان آنهاست. تا وقتی که در کنار این حرف‌ها زندگی مادی‌شان به روال طبیعی می‌گذرد از دین هم سخن می‌گویند. اما آنجا که بلاها با سختی‌ها محک زده می‌شوند و امتحان می‌شوند، آنجا اشخاص خیلی کم است گویا اباعبدالله جامعه‌ی امروز ما را می‌بیند و حرف می‌زند.

امام باقر علیه‌السلام در حدیث نسبتاً بلندی گویا از امروز هم گزارش می‌دهد. حضرت فرمودند: يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَتَّبِعُ فِيهِمْ قَوْمٌ مَرَاوُونَ يَتَقَرَّوْنَ وَ يَنْسَكُونَ: در آخر الزمان قومی هستند که مورد تبعیت قرار می‌گیرند اما اولاً انسان‌هایی ریاکارند. ثانیاً دائماً قرآن می‌خوانند و اهل قرائت قرآن هم هستند. ثالثاً ينسكون؛ اهل شک و عبادت و ذکر نماز شب هم هستند. حدیث سفهاء؛ تازه به دوران‌رسیده‌های ابله‌اند. (امام باقر علیه‌السلام به کسی بی‌ادبی نمی‌کند. واقعیت‌های باطنی آنها را می‌گوید). لا يوجبون أمراً بمعروف ولا نهياً عن منكر إلا إذا أمنوا الضرر؛ اینها امر به معروف و نهی از منکر را واجب نمی‌دانند مگر هنگامی که از ضرر در امان باشند. يطلبون لأنفسهم الرخص والمعاذير؛ برای در امان ماندن خودشان دائماً دنبال توجیها توجیهات و گریزگاه‌هایی می‌گردند که مسئولیت سنگین امر به معروف و نهی از منکر را انجام ندهند و خودشان را از این امر معاف بدانند يتبعون زلات العلماء و فساد عملهم؛ این عبارت دوگونه معنا می‌شود. یکی اینکه اینها جاهایی که علماء دچار لغزش می‌شوند را برای مجاز بودن کار خودشان معیار و ملاک می‌دانند و عمل‌های فاسد آنها را تبعیت می‌کنند. معنای دیگرش هم اینکه اینها اشخاص مخالف علماء هستند و می‌گردند که یک نقطه‌ی ضعف از علماء پیدا کنند و آنها را خراب کنند. البته معنای اول بیشتر با این روایت تناسب دارد. يقبلون على الصلاة والصيام ما لا يكلمهم في نفس ولا مال ولو اضر الصلاة بسائر ما يعملون بأموالهم وأبدانهم لرفضوها كما رفضوا اسمي الفرائض وأشرفها؛ اینها به نماز و روزه تا زمانی که اندکی به جان و مالشان ضرر و لطمه‌ای نمی‌زند، روی می‌آورند. بعد فرمود: اگر نماز به مال و دارایی آنها یا رفاه و راحتی آنها اندکی ضرر وارد بکند نماز را هم رها می‌کنند همان‌طور که برترین و بالاترین و بلندترین واجب الهی را، یعنی امر به معروف و نهی از منکر را رها کردند. بعد فرمود: هُنَالِكَ يَتِمُّ غَضَبُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَيَعْمَهُمْ بِعِقَابِهِ فَيَهْلِكُ الْأَبْرَارُ فِي دَارِ الْفُجَّارِ وَالصَّغَارُ فِي دَارِ الْكِبَارِ: در

چنین شرایطی است که زمینه‌ی غضب الهی برای این قوم تکمیل می‌شود. و همه‌ی آنها را غضب الهی در بر می‌گیرد. نیکان آنها در خانه‌ی بدهایشان و کوچک‌های آنها در خانه‌ی بزرگانشان هلاک می‌شوند. بعد امام باقر علیه‌السلام فرمود: *فَانْكُرُوا بِقُلُوبِكُمْ وَالْفُظُوءَ بِالْسِنَتِكُمْ وَصَكُوا بِهَا جِبَاهَهُمْ وَلَا تَخَافُوا فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمَةً*. پس ای مؤمنین بیایید با دل‌های خودتان باطل را انکار کنید. یعنی با تمام وجود از باطل، بدی‌ها و ضد ارزش‌ها منزجر باشید و با زبانتان بر سر مفسدان و ترویج‌گران بدی در جامعه، پرخاش کنید. از سرزنش هیچ سرزنش‌گری در راه خدا هراس به خود راه ندهید. این افرادی که به ظاهر خودشان را دین‌مدار و دین‌باور، اهل تنسک و قرائت قرآن و عبادت نشان می‌دهند، ولی بویی از حقیقت دین در وجودشان نیست. بعد فرمود: *فَانْتَعِظُوا وَ إِلَى الْحَقِّ رَجَعُوا فَلَا سَبِيلَ عَلَيْهِمْ*؛ آن‌گاه که شما امر به معروف و نهی از منکر کردید، اگر آن افراد موعظه پذیرفتند و به مسیر حق برگشتند، دیگر ما به آنها انتقاد و اعتراضی نداریم. بعد حضرت این آیه را قرائت کرد: *إِنَّمَا السَّبِيلَ عَلَى الَّذِينَ يَظْلَمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ*<sup>۱</sup>؛ اعتراض به کسانی وارد است که به مردم ستم می‌کنند و در زمین به غیر حق تجاوزگری می‌کنند. عذاب دردناک الهی برای اینهاست. بعد امام باقر علیه‌السلام فرمودند: *هنا لك فجاهدوهم بأبدانكم و ابغضوهم بقلوبكم غير طالبين سلطاناً و لا باغين مالا و لا مریدين بظلم ظفراً حتى يفيؤوا إلى أمر الله و يمضوا على طاعته*؛ در چنین شرایطی با بدن‌هایتان با آنها جهاد کنید و با قلب‌هایتان به آنها کینه بورزید اما غیر طالبین سلطاناً؛ یعنی خودتان دنبال ریاست‌طلبی نباشید که این رئیس فاسد را برکنار کنم و خودم رئیس شوم. و لا باغین مالا؛ دنبال این نباشید که فشاری به این رئیس بیاورید که یک امتیاز مالی از او بگیرید. و لا مریدین بظلم ظفراً؛ و با روش‌های ظالمانه هم در پی به دست آوردن پیروزی نباشید. یعنی در این کار هم روشستان، روش عادلانه و الهی و خداپسندانه‌ای باشد. *حتى يفيؤوا إلى أمر الله*؛ تا اینکه در اثر این مجاهده و مبارزه‌ی شما آنها مجبور بشوند برگردند و به فرمان خدا گردن بنهند و بمضوا علی طاعته<sup>۲</sup>؛ و در مسیر طاعت الهی گام بسپارند. لذا ترس از دست دادن موقعیت‌های مادی، ترس از در معرض خطر قرار گرفتن، اشخاص را از امر به معروف و نهی از منکر باز می‌دارد.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: *أَيُّهَا النَّاسُ امْرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ فَإِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَمْ يَقْرَبَا أَجْلاً وَ لَا يُبَاعَدَا رِزْقاً*<sup>۳</sup>؛ ای مردم امر به معروف و نهی از منکر کنید چرا که امر به معروف و نهی از منکر نه مرگ کسی را نزدیک‌تر می‌کند و نه رزق کسی را دور می‌کند. یعنی ترس شما یا از این است که به مرگ و زندان و تحمل سختی بیفتید، یا اینکه مال، ثروت، دارایی و رزقی از شما از دست برود. نگران نباشید.

۲- سوره‌ی شوری، آیه‌ی ۴۲.

۱- کلینی، کافی، ج ۸، ص ۱۸۰.

۲- محدث عاملی، تفصیل وسائل‌الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۲۵.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بئس القوم قوم لا یأمرون بالمعروف و لا ینهون عن المنکر؛ قومی که امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنند چه قوم بدی هستند. بئس القوم قوم یقذفون الامرین بالمعروف و اناصین عن المنکر؛ قومی که امرکنندگان به معروف و نهی‌کنندگان از منکر را متهم می‌سازند چه قوم بدی هستند. بئس القوم قوم لا یقومون لله تعالی بالتسبط؛<sup>۱</sup> قومی که برای خدا به عدالت قیام نمی‌کنند، چه قوم بدی هستند. قومی که فرمان‌دهندگان مردم به عدالت را می‌کشند چه قوم بدی هستند. امر به معروف و نهی از منکر یک واجب کفایی است. متأسفانه معنای واجب کفایی خوب فهمیده نشده است. از نظر فقهی واجب کفایی چیزی است که در آغاز امر در برگیرنده‌ی تمام جامعه‌ی اسلامی است و متوجه تک‌تک آحاد جامعه‌ی اسلامی است. اگر به میزانی که آن نیاز از جامعه‌ی اسلامی به طور کامل مرتفع شود افرادی به میدان آمدند و آن نیاز برطرف شد، این وجوب از عهده‌ی بقیه برداشته می‌شود. اما اگر کسی پیش‌قدم نشد یا تعدادی پیش‌قدم شدند که برای برآوردن آن نیاز کفایت نمی‌کرد، دیگران که قدم پیش نگذاشته‌اند روز قیامت در کنار هم و در یک سطح معاقب و معذبند.

نباید فکر کرد واجب کفایی یعنی به گردن عده‌ای است و به گردن ما نیست، اگر به اندازه‌ای که این نیاز در جامعه‌ی اسلامی تأمین شود افرادی به میدان نیایند، همه‌ی افراد جامعه‌ی اسلامی در پیشگاه خدا مسئول و معاقبند. نکته‌ی دیگر این است که گر چه در واجب کفایی، توانایی بر انجام هر کاری شرط است، اما امری که در جامعه‌ی اسلامی واجب کفایی شد کسب توانایی انجام آن هم به عنوان مقدمه‌ی واجب بر همه، واجب کفایی است. اگر جامعه‌ی اسلامی عالم دینی به تعدادی که مورد نیاز است، نداشته باشد بر تمام افراد واجب کفایی است در رشته‌ی علوم دینی تحصیل کنند و اگر به تعداد کافی به میدان تحصیل علوم دینی و بازگشت به سمت جامعه برای آموزش جامعه نروند همه‌ی جامعه معاقبند. قرآن فرمود: فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ:<sup>۲</sup> چرا گروهی از این مردم در دین، تفقه و درک عمیق پیدا نمی‌کنند تا هنگامی که به این معارف دینی مسلط شدند، و به جامعه‌شان برگشتند افراد را بیدار کنند؟ پس نباید گفت چون من امر به معروف و نهی از منکر را بلد نیستم، چون قدرت، امکانات، تحصیلات و مهارت‌های لازم این کار را ندارم، پس به عهده‌ی من نیست. کسب این توانایی‌ها به عنوان مقدمه‌ی واجب، واجب است. اگر به اندازه‌ی کفایت نیامده‌اند، پس همه‌ی ما مسئولیم. اگر به تعبیر امام باقر علیه‌السلام مهم‌ترین و برترین واجبات الهی امر به معروف و نهی از منکر است، روز قیامت جواب خدا را چگونه خواهیم داد؟! بنابراین باید در حد کفایت برای رفع تمامی منکرها از جامعه و استقرار همه‌ی معروف‌ها در همه‌ی شؤون جامعه‌ی اسلامی اشخاص گام به پیش گذارند.

۳- مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۱۳۰.

۴- سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۲۲.